

هرچه که بیند دیده، خدایش آفریده



سحر چیدری

خود را می‌توانی



۲

بعد از چند روز، نوزادان از تخم بیرون می‌آیند. آن‌ها نمی‌توانند این‌جا بمانند، چون برای همه آب وجود ندارد.



۱

«قورباغه‌ی توت‌فرنگی» خیلی کوچک است. نوزادانش هنوز از تخم بیرون نیامده‌اند. تخم‌ها باید توی آب باشند. ولی این‌جا آب کمی هست.



۴



۳



این شروع یک سفر سخت است. بالای درخت بلند، گیاهی هست. مادر باید به آن گیاه برسد. سفر او از کف جنگل تا بالای درخت بلند ادامه دارد.



مادر، یکی از نوزادان را پشت خودش سوار می‌کند.



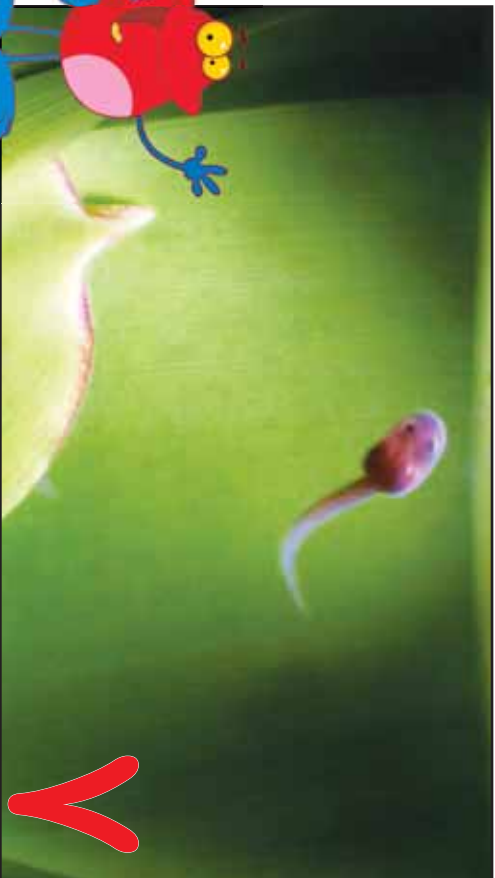
حالا قورباغه به آن گیاه می‌رسد. گیاهی که یک استختر کوچک آب در وسطش دارد... یک جای مناسب برای پرورش بچه قورباغه‌ها.



قورباغی توت‌فرنگی اندازه‌ی یک بند انگشت است، این سفر برای او خیلی سخت است. مثل پال رفتن انسان از یک ساختمان صد و دو طبقه!



او یکی یکی بچه‌ها را جمع می‌کند. هر کدام را در یک گل می‌گذارد. اقا این استخرهای کوچکی، غذایی برای بچه قورباغه‌ها ندارد. او برای بچه‌هایش تخم می‌گذارد. بچه‌ها هم با حرص زیاد، تخم‌ها را می‌خورند. *با تشکر از خانم صفورا زواران حسینی، کارشناس محیط زیست



او نوزادش را در استخر می‌اندازد... حالا باید به سرعت پایین برود و بقیه را هم نجات دهد.